info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۱۵
دوشنبه / ۱۶ فروردین / ۱۴۰۰
۲۲ / شعبان / ۱۴۴۲
05 / April / 2021

صاحب‌امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار توحید، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، روبروی ماه‌گستری
تلفن: ۲۲۵۵۳۸۳۸-۲۲۵۴۱۴۹۵-۲۲۵۳۲۳۲۲-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

باشعرای کرج

بهار

تو که پاشی
بهار هم هست
باران عشق می بارد آسمان
بارانی لطیف‌تر
بارانی با عطر چشم‌هایت

تو که پاشی
گل رز می خندد
پرستوها با من هم‌آوازند
می جوشند چشمه‌ها

تو هستی و عاشقی هم هست

بهروز قاسمی(رها)

خبر

حاکمیت خشکسالی شدید در بیشتر نقاط کشور

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی از خشکسالی شدید در بیشتر نقاط کشور خبر داد و گفت: آثار کم بارشی را به‌زودی روی سدها خواهیم دید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، احد وظیفه با اشاره به اینکه طی دو هفته ابتدایی فروردین ماه در کل کشور تنها ۱۷ میلیمتر بارش داشتیم که این میزان نسبت به میانگین بلند مدت کشور حدود ۸۵ درصد کمتر است، اظهار کرد: از این‌رو نوروز بسیار کم بارشی داشتیم البته بارش‌ها در زمستان ۹۹ نیز کمتر از حد نرمال بود و این مسئله سبب شده است که در بسیاری از نقاط کشور با کم بارشی مواجه باشیم.

وی در ادامه با بیان اینکه در جنوب کشور وضعیت بارش‌ها بسیار بد است، تصریح کرد: در دو استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان بارش‌ها بیش از ۹۰ درصد کمتر از میانگین بلند مدت کشور گزارش شده است. از سویی دیگر طی دو هفته ابتدایی بهار تعدادی از استان‌های کشور ازجمله یزد، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، فارس، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، بوشهر و اصفهان هیچ بارشی دریافت نکردند.

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی افزود: در تعدادی دیگر از استان‌ها ازجمله چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، قم و لرستان بارش‌ها طی نوروز ۱۴۰۰ درحد یک میلیمتر و حتی کمتر از آن بوده این درحالیست که ما طی دو سال گذشته در بسیاری از این نقاط با بارش‌های شدید و حتی سیل مواجه بودیم. چنین موضوعی نشان می‌دهد که تغییر اقلیم اثرات بسیار متغیری دارد.

وظیفه با اشاره به اینکه به‌طور کلی طی دو هفته ابتدایی بهار هیچ بارشی در جنوب، جنوب غرب و شرق کشور نداشتیم، گفت: از مهرماه تاکنون تنها حدود ۴۸ درصد از آب سالانه حاصل از بارش‌ها تامین شده است که این وضعیت نگران کننده است. به گفته وی از ابتدای مهرماه تاکنون در کشور حدود ۱۱۰ میلیمتر بارش داشتیم که این میزان نسبت به حد نرمال ۳۹ درصد و نسبت به سال گذشته ۴۹ درصد کمتر است. به‌طور کلی درحال حاضر در بیشتر نقاط کشور خشکسالی شدید حاکم است. در چنین شرایطی بِبی یا آبدهی رودخانه‌ها کم می‌شود و تامین انرژی توسط نیروگاه‌های برق آبی کاهش خواهد یافت همچنین کشت دیم در استان‌های مختلف نیز به‌شدت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی با بیان اینکه به‌دلیل بارش‌های خوب طی سال آبی زراعی گذشته ممکن است ذخیره سدها در کشور مناسب باشد، تصریح کرد: به‌زودی و همزمان با شروع فعالیت کشاورزی طی امسال، آثار کم بارشی را بر سدهای کشور خواهیم دید.

وظیفه در پایان با اشاره به اینکه پیش‌بینی می‌کنیم که بهار با کم بارشی به اتمام برسد، اظهار کرد: از سویی دیگر دمای هوا نیز طی این فصل حدود یک تا ۱.۵ درجه بالای حد نرمال خواهد بود.

---

۴۰ قاف امروز با حافظ

بساز ای مطرب خوشخوان خوشگو
به شعر فارسی صوت عراقی
عروسی بس خوشی ای دختر رز
ولی گه گه سزاوار طلاقی

خراقه

ای بلای تو به جانم
که تو جانی و جهانی

شهریار

افق ترج اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۴	۰۶:۱۹	۱۲:۱۷	۱۸:۱۴	۱۸:۳۱

برگه

تغییر دهندگان اثر گذار در جهان کسانی هستند که بر خلاف جریان شنا می‌کنند.

والترنیس

یادداشت

پدر هیوندای؛ قهرمان خودروسازی کره

جانگ جویانگ یکی از بزرگ ترین کارآفرینان کره جنوبی بود. او با درایت، ذکاوت و مهارتی که در خودروسازی داشت از شرایط و ظرفیت های کره جنوبی بهترین استفاده را کرد و بازی صنعت را به نفع خود و وطنش تغییر داد. صنعت کره تا همین امروز بسیاری از پیشرفت های صنعتی خود را مدیون بلندپروازی های جانگ است. البته داستان جانگ و تاسیس کارخانه اتومبیل سازی هیوندای یک داستان معمولی انگیزشی نیست. بلکه داستانی درباره دیدن فرصت هایی است که هر کسی آن ها را نمی بیند. درباره هیوندای باید بدانید که جانگ کارخانه موتور هیوندای را در سال ۱۹۵۰ به دلیل رکودهای پس از جنگ کره و ژاپن فروخت و آن چه که امروز به عنوان هیوندای می شناسیم، هیچ ارتباطی با هیوندای قدیمی ندارد و سال ها بعد متولد شد.

داستان از این جا آغاز شد که فورد در جست وجوی یک صنعت گر کره ای که خودروی ارزان بسازد به کره آمد. جانگ تیم فورد را با زیرکی خاص خودش تحت تاثیر قرار داد و به دلیل تجربه ای که از گذشته در تعمیرکاری خودرو به دست آورده بود، توانست نظر فورد را جلب کند. جانگ در این باره گفته بود: «هیچ چیزی در مورد ماشین ها نبود که من ندانم. به همین دلیل بود که کمپانی من قرارداد را دریافت کرد». سرانجام، در ۲۳ فوریه ۱۹۶۸، جانگ و فورد، «توافق نامه استاندارد مونتاژ خارج از کشور» را امضا کردند.

در ابتدا، قرار بود هیوندای فقط کیت های بخش های مختلف خودرو را سرهم بندی کند. سرهم بندی قطعات خودرو بسیار ساده بود و نیازی به مهارت های ویژه نداشت. جانگ اجازه ی «مشارکت در مدیریت» در کارخانه مونتاژ کره را به فورد نداد و این موضوع اهمیت زیادی برای فورد نداشت. چرا که فورد غولی جهانی بود که یک کارخانه ناشناخته از کشوری جنگ زده را سرمه سرمی- گذاشت.

زمانی هم که جانگ به جای سرهم کردن کیت های خودرو تصمیم گرفت مدل های کره ای خودرو و کامیون را به طور مشترک با همکاری مهندسان فورد بسازد، با مخالفتی از جانب فورد مواجه نشد. هیوندای ساخت کامیون های دیزلی را در حالی شروع کرد که ۸۰ درصد از قطعات آن یعنی حتی موتور و سیستم انتقال قدرت را از فورد اروپایی به دست آورده بود. مهندسان کره ای هم تحت نظارت مهندسان فورد شروع به سرهم بندی طراحی های خودرو کردند. لی سو آی، یک مهندس کره ای که در سال ۱۹۶۹ در هیوندای استخدام شد گفت: «آن ها همه چیز را به ما یاد دادند— چطور یک طراحی را بخوانیم، استاندارد ساخت بشناسیم و چگونه باید کنترل کیفی کنیم». فورد بار دیگر کمپانی ای را که بعداً خودش را مغلوب می کرد، دست کم گرفته بود.

در اوایل دهه ۷۰، فورد خیلی دیر متوجه شد که هدف جانگ در واقع تولید خودروی هیوندای تحت برند خودش بوده است. در نتیجه، شراکت فورد و هیوندای به پایان رسید و جانگ برای تامین خواسته های تکنولوژیک خود و ادامه ی بلندپروازی هایش، به سراغ میتسوبیشی در ژاپن رفت و در همان بین یک مهندس بریتانیایی و یک طراح ایتالیایی را از او قرض کرد.

زودتر از آن چه انتظار می رفت، اولین خودروی ساخت هیوندای، به نام پونی، در دسامبر ۱۹۷۵ از خط مونتاژ خارج شد. جانگ توانسته بود بهترین خودرو را برای بازاری با پرسرعت ترین رشد در جهان پیدا کرده بود.

با این وجود بازار کره برای جانگ کافی نبود. او رویای تسخیر بازار جهانی را در سر داشت. از روی خوش شانسی یا از روی برنامه ریزی، جانگ خودرویی نُفلی و ارزانی را تولید کرده بود که دقیقا با بحران نفتی اوپک و جنبش های محیط زیستیی کاهش تقاضا برای خودروهای گازوئیل سوز هم زمان شده بود. استفاده از بازارهای آفریقا، آمریکای لاتین و کانادا به عنوان آزمایشگاه هایی برای یادگیری بیشتر از طریق انجام دادن مکرر یک کار، باعث شد تا هیوندای بازار آمریکا را با معرفی خودروی اکسل از آن خود کند. اکسل در سال ۱۹۸۵ جایزه ی بهترین خودروی جدید را در آمریکا دریافت کرد.

جانگ و هیوندای به طرز باورنکردنی ای پیشرفت کردند اما این پیشرفت کافی نبود. از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ ، همچنان ۲۰۰ ایراد برای هر ۱۰۰ خودروی جدید در ۹۰ روز اول، در مقایسه با ۱۳۰ ایراد در فورد و جی ام و کمتر از ۱۰۰ برای تویوتا و هوندا، یافت می شد. این ایرادها به قدری بود که اولین نسل سوناتای هیوندای که در ۱۹۸۷ تولید شد، به دلیل رد شدن در استانداردهای آلایندگی نتوانست وارد بازار آمریکا شود(هیوندای قدردان بازار همیشه بخشنده ی کانادا باقی ماند).

نسل سوم سوناتا همچنان کمتر از ۲۵۰۰۰ واحد در سال از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ به آمریکایی ها فروخت. موفقیت در فروش بالاخره با نسل چهارم سوناتا حاصل شد. سپس نسل پنجم جایزه های متعددی برنده شد و امروز نسل هفتم، ۹ برابر بیشتر از نسل سوم به فروش می رود.

این موفقیت چشم گیر و تاریخی هیوندای اگرچه با رویای دهقان زاده ای به نام جانگ او یانگ شروع شد، ولی با حمایت های دولت، اعتماد بانک ها و تامین مالی های کلان ادامه یافت و مسیر پیشرفت را با موفقیت طی کرد. بی تردید بدون این حمایت ها هیوندا نمی- توانست با چنین سرعتی، لقب یکی از ۱۰ خودروساز برتر دنیا را از آن خود کند و نام برند و کشور خود را بر سر زبان ها بیندازد.

منبع:
The Tyranny of Experts
William Easterly

مولف: سوگند نیکخواه بهرامی- مترجم زبان کره ای و انگلیسی

گزارش

مسائل روانی پس از پایان همه گیری

بیش از یک سال انزوا و رعایت فاصله اجتماعی، بیش از یک سال زدن ماسک و شستوشوی دستان و ماندن در خانه، بیش از یک سال دورکاری و شرکت در جلسات آنلاین، حالا با آمدن واکسن برای کووید۱۹، چشم‌انداز بازگشت به زندگی نرمال خود را نشان داده است؛ دست‌کم در کشورهایی که مردمانش آن‌قدر بخت یارشان است که واکسن داشته باشند. در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، کشورهای برخوردار، واکسیناسیون علیه کووید۱۹ را شروع کرده‌اند. برخی کشورها بخش بزرگی از جمعیت را واکسینه کرده‌اند و برخی کمتر. برخی کشورها هم هنوز در پیچ‌وخم تصمیم‌گیری و خرید و وارد کردن واکسن‌های مؤثر، یا تولید داخلی واکسن یا خرید از کشورهای دوستتر هستند. اخیراً، مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا اعلام کرده افرادی که دو نوبت واکسیناسیون خود را کامل کرده باشند، می‌توانند در فضاهای خصوصی دربسته بدون ماسک دور هم باشند. البته هنوز برای حضور در اماکن عمومی توصیه می‌شود مردم ماسک بزنند و فاصله اجتماعی را رعایت کنند. دکتر فائوچی در پاسخ به انتقاد از خود به خاطر توصیفاش به ماسک‌زدن بعد از واکسیناسیون، گفته است که واکسن‌های ما علیه تمام گونه‌های ویروسی جهش‌یافته که اکنون در آمریکا وجود دارد و در گردش است، مؤثر نیستند و بنابراین، حتی در صورت زدن واکسن‌های فعلی، رعایت ملاحظات قبلی لازم است تا منجر به همه‌گیری این گونه‌های جهش‌یافته نشود. برخی هم معتقدند، گرچه واکسن‌ها در بدن ایمنی ایجاد می‌کنند و مانع بروز بیماری یا بیماری شدید و مرگ می‌شوند، اما معلوم نیست مانع تجمع ویروس در بخش‌های محیطی‌تر بدن افراد (مانند مخاطات بینی و مخاط تنفسی) شوند.

بنابراین، ممکن است حتی افرادی که واکسن زده‌اند هم بتوانند ناقل ویروس باشند و اگر ماسک نزنند، آن را به کسانی منتقل کنند که واکسینه نشده‌اند. اما به هر حال، زمان بازگشت به زندگی عادی دارد فرا می‌رسد. کشورهایی که واکسیناسیون را به شکل گسترده انجام داده‌اند در تدارک بازگشایی کسب‌وکارها و مراکز آموزشی و سایر فعالیت‌های نرمال زندگی‌شان هستند. افراد هم کم‌کم آماده می‌شوند تا دورکاری و جلسات زوم را کم کنند و کار عادی را از سر بگیرند تا بعد از یک سال خانه‌نشینی و دوری گزینی فیزیکی از دیگران، حالا خانه و تنهایی را رها کنند و در تعامل و تماس نزدیک‌تر با مردم قرار بگیرند. این شرایط با خود اضطراب‌هایی را به همراه دارد. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که در دوران همه‌گیری جهانی کووید۱۹ سطح اضطراب در جامعه به شکل بسیار بارزی افزایش پیدا کرده است (گزارش استرس در آمریکا ۲۰۲۱، انجمن روان‌شناسی آمریکا). مطالعه‌ای در اروپا که نمونه‌ای بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر داشته و ژانویه ۲۰۲۱ در مجله لنست منتشر شد، نشان می‌دهد که اضطراب و احساس تنهایی در دوران منع رفت‌وآمد به بالاترین سطح خود رسیده است.

مطالعه‌ای کوچک‌تر که روی ۲۴۰ نفر در آمریکا انجام شده است، نشان می‌دهد که نشانه‌های اضطراب اجتماعی و احساس افسردگی در دوران همه‌گیری افزایش چشمگیر داشته است. برخی بررسی‌های اخیر نشان می‌دهند که درصد قابل‌توجهی از مردم از بازگشت مجدد به جامعه نگران‌اند. به ویژه، نگران‌اند که اگر بازگشایی‌ها به‌سرعت انجام شود، دوباره همه‌گیری اوج بگیرد. حدود نیمی از آمریکاییان گزارش کرده‌اند که در بازگشت به تعاملات شخصی و نزدیک با افراد دیگر، بعد از همه‌گیری، احساس ناراحتی می‌کنند. بازگشت به جامعه و زندگی نرمال با تمام‌های نزدیک معمول ایجاد استرس و اضطراب می‌کند؛ اضطرابی که برخی از آن با عنوان «هشتاگن ورود مجدد» و برخی با عنوان «اضطراب اجتماعی پساکووید» نام می‌برند. بخشی از این نشانگان و علائم طبیعی است. منطقی است که پس از یک سال دوری از محیط بیرون و ماندن در خانه و کنترل کردن تماس‌ها و اشیا و افراد، بازگشت به جامعه و روابطی که آن‌جا هم تحت کنترل ما نیستند اضطراب‌زاست.

یک سال جفت‌شدن «عبور و مرور و تعامل با مردم» با «بیماری و بستری و مرگ» ذهن‌ها را شرطی کرده و طبیعی است که مواجهه با عواملی که این اضطراب را برمی‌انگیزند، یعنی بازگشت به زندگی عادی پیتاکوویدزنجیره اضطراب را در ذهن و بدن انسان‌ها رقم بیندازد. دوری از دیگران، ماندن در خانه و تحت کنترل داشتن شرایط حس امنیتی را ایجاد می‌کرد که با کنار گذاشتن آن مراقبت‌ها حس امنیت نیز متزلزل می‌شود. در واقع، می‌توان انتظار داشت بسیاری از افرادی که دچار اضطراب، وسواس، اضطراب اجتماعی و اختلال استرس پس از آسیب (PTSD) مرتبط با کووید هستند، پس از بازگشایی‌ها و بازگشت به زندگی نرمال تازه علائم خود را به شکل جدی نشان بدهند. آیا می‌توانم در محل کارم، در رستوران یا فروشگاه یا در مطب دکتر و در میهمانی ماسک خود را بردارم و نگران نباشم که خودم مبتلا بشوم یا کسی را مبتلا کنم؟

آیا می‌توانم بدون نگرانی بچه‌ام را دوباره به مدرسه بفرستم؟ همان‌طور که بروز همه‌گیری و سبک زندگی همراه آن تبعات روانی جدی داشته است، کنترل همه‌گیری و بازگشت به زندگی نرمال هم با فرازونشیب‌هایی همراه خواهد بود. بخش بزرگ‌تر این علائم واکنش‌های روانی بهنجار به تغییر شرایط است که قاعدتاً با گذشت زمان و در افرادی که تاب‌آوری قابل‌قبول دارند، با درپیش‌گرفتن رفتارهای سالم برای بازگشت به زندگی عادی، برطرف خواهد شد. بخشی هم به توجه بالینی نیاز دارند. به‌هرحال، باید برای هر دو آنها به فکر بود. گذر از دوران واکنش‌های روانی طبیعی را با اطمینان خاطر دادن و آموزش برای مواجهه مجدد با شرایط نرمال تسهیل کرد و برای افرادی که در زمینه اختلالات و مشکلات جدی‌تر دچار علائمی می‌شوند، باید مداخلات درمانی مناسب را در نظر داشت. متأسفانه مسیر و جهت موج همه‌گیری به شکلی بود که ایران از نخستین کشورهایی بود که این همه‌گیری در آن اوج گرفت. به همین دلیل، کشور ما در زمانی با این همه‌گیری به شکل جدی درگیر شد که هنوز دانش کافی درباره رفتار این ویروس وجود نداشت. حتی هنوز زدن ماسک که اکنون بدیهی‌ترین روش پیشگیری از انتقال بیماری شمرده می‌شود، در آن زمان رد یا دست‌کم گرفته می‌شد. کشورهایی که در ایستگاه‌های بعدی این موج بودند، از ابتلای ما و تجربه ما و کشورهایی که زودتر دچار این همه‌گیری شدند چیزهایی آموختند تا در کنترل همه‌گیری در کشور خود از آن استفاده کنند. تجربه و دانشی که ما در زمان شروع همه‌گیری از آن محروم بودیم.

باز هم متأسفانه، به دلایل مختلف و از جمله مشکلات موجود برای تهیه واکسن برای مردم ایران، به نظر می‌رسد ما یکی از کشورهایی خواهیم بود که دیرتر از کشورهای برخوردار از موهبت واکسن از شر این همه‌گیری رها خواهد شد. این موج به آنان دیرتر رسید و زودتر ترکشان خواهد کرد و زودتر بر سر ما فروریخت و دیرتر از سرمان خواهد گذشت. اگرچه بخت یا توان آن را نداشتیم که از دانش و تجربه کشورهای دیگر در کنترل همه‌گیری چندان استفاده کنیم و نخست آنان شاهد درگیری ما و اوج همه‌گیری در کشور ما بودند؛ اکنون این ما هستیم که شاهد ورود آنان به زندگی معمول و مسائل همراه با آن در آن کشورها خواهیم بود. نگاه به تجربه‌های هفته‌ها و ماه‌های آینده در کشورهایی که با واکسیناسیون در حال خروج از همه‌گیری هستند، می‌تواند کمک کند تا از هم‌اکنون، به فکر سازوکارهای لازم برای کاهش دادن تبعات پس از رفتن همه‌گیری باشیم و اگر در کنترل همه‌گیری چندان اقدامات منسجم و مؤثری را انجام ندادیم، دست‌کم در کنترل پیامدهای پس از همه‌گیری از حالا به فکر باشیم. گرچه واکسیناسیون عمومی و بازگشت به زندگی نرمال در ایران هنوز نزدیک به نظر نمی‌رسد، نظام سلامت باید از هم‌اکنون برای ماه‌های بعد که بالاخره این اتفاق خواهد افتاد برنامه‌های لازم در ارتباط با سلامت روان را پیش‌بینی کند.

سامان توکلی
روان‌پزشک

بریده جراید

استقبال نوروزی مردم از کتابفروشی ها

ایران: نادر قدیانی: ناشر، کتابفروش و از رؤسای پیشین اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران- این روزها اوضاع و احوال کتابفروشی‌ها و نشرمان در مقایسه با نامیدی‌هایی که سال قبل، همین ایام، اهالی صنعت نشر را در برگرفته بود بهتر و بسیار امیدبخش‌تر است؛ کمی پیش از آغاز نوروز ۱۳۹۹ شرایط سختی برای صنعت نشر رقم خورد: ناشران و بویژه کتابفروشان، فروردین سال قبل با تعطیلی‌های برآمده از پروتکل‌های بهداشتی روبه‌رو شدند. دورهای که انتظار می‌رفت مشاغلی همچون کتابفروشی‌ها مانند دیگر نقاط جهان تعطیل نشوند تا هم نشر ضربه کمتری ببیند و هم مردمی که چاره‌ای جز خانه‌نشینی نداشتند بتوانند کتاب بخرند، هرچند که این مجوز از سوی مسئولان صادر نشد. خانه‌نشینی‌های مردم به‌رغم همه گلایه‌هایی که متوجه سرانه مطالعه است آنان را بیش‌ازپیش به سوی کتابخوانی هدایت کرد و حتی شاهد اضافه شدن قشرهای تازه‌ای به جامعه کتابخوان شدیم؛ با اینکه اردیبهشت خبری از برپایی نمایشگاه فیزیکی کتاب تهران نشد، حتی تصور نمی‌کردیم با مشکلی که در مواجهه با چگونگی بازگشت سرمایه خود پیدا کرده بودیم امیدی به سرپا ماندن نشر باشد.

با این حال با کافه‌های دولتی که هرازگاهی در اختیار ناشران قرار گرفت و از سوی تصمیم به برپایی نمایشگاه مجازی روح تازه‌ای به این بخش فرهنگ دمیده شد و تولید کتاب به مرور رونق یافت، همزمان با آغاز بهمن که مصادف با برگزاری ۱۰ روزه نمایشگاه مجازی کتاب تهران شد خوشبختانه حدود ۵۰ درصد فروش نمایشگاه لغو شده فیزیکی کتاب جبران شد که اتفاق مهمی به شمار می‌آید این اتفاق هم دلگرمی اهالی نشر را سبب شد و هم اینکه اشتیاق بیشتر مردم را سبب شد. اما درباره اینکه فروش کتاب در نوروز جاری چطور بوده بر اساس تجربه نشر و کتابفروشی قدیانی و همچنین شنیده‌ها از دیگر همکاران معتقدم که فروش بهتری در مقایسه با دوره زمانی مشابه در سال گذشته داشته‌ایم، شاید ازنظر تعداد نسخه کتاب‌های فروخته‌شده با کاهش تقریبی ۱۵ درصدی روبه‌رو شده باشیم که البته با توجه به شرایط اقتصادی و محدودیت‌های کرونایی اتفاق دور از انتظاری نیست اما ازلحاظ ریالی افزایش ۵ تا ۱۰ درصدی هم داشته‌ایم که بخشی از آن به سبب افزایش گریزناپذیر قیمت‌هاست.

ناشران طی اسفند ماه اغلب فروش خوبی به کتابفروشی‌ها برای عرضه نوروزی آثار داشته‌اند؛ آن‌طور هم که دیگر دوستان کتابفروش می‌گویند مردم هم استقبال خوبی کرده‌اند. حالا که تعطیلات به پایان رسیده دوباره توزیع‌کنندگان و ناشران دست به کار می‌شوند و به تبع همین موضوع کتابفروشان هم فعالیت خود را از سرمی گیرند. حالا ما اهالی نشر امیدواریم در سال جاری، سال ۱۴۰۰ با فراهم شدن امکان تزریق واکسن برای عموم مردم و کمرنگ شدن اثرات سوء محدودیت‌های کرونایی، نشر و دیگر حوزه‌های فرهنگی مسیر رو به بهبودی را طی کنند. البته یکی دیگر از مهم‌ترین امیدواری‌های ناشران این است که با توجه به تجربه برپایی نمایشگاه کتاب مجازی تهران در اردیبهشت‌ماه و طبق روال تقویم فرهنگی هر ساله شاهد برگزاری نمایشگاه کتاب مجازی تهران باشیم.

یادداشت

چند خط در استقبال از سال نو

کرونا جهش یافته غم

تکیده و ترسان اسفند را به فروردین بردیم و از خلوت ناخواسته نتوانستیم اما یک قدم دور شویم که این روزها به شرط زندگی نفس می‌کشیم و بهتر از همیشه شبیه این جمله‌ایم که «ای بلا! کی زنده و کی مرده؟» آن قدر داغ دیده‌ایم که نمی‌دانیم بر کدام مرده زار بزنیم. به خودم می‌گویم خوب نیست اول سالی این زخم را تازه کنی که به قول حسنک وزیر، عاقبت آدمی؛ مرگ است.

در دلتنگی دست و پا می‌زنیم و به لعن و نفرین به خودمان می‌گوییم این چه دردی بود بی‌وقت که هر کدام از ما به جزیره‌ای بدل شده‌ایم در دوردست‌ها که صدا به صدا نمی‌رسد. کجای راه را اشتباه رفته بودیم که حالا سر از بیابان بلا در آوردیم. گوش کن! یکی می‌گوید این چوب خداست. یکی دیگر می‌گوید انتقام طبیعت است و یکی هم به چین و ماچین لعنت می‌فرستد و دیگری می‌گوید اصلاً فرض کن کرونا نبود. آیا ما همان آدم‌هایی نبودیم که یکدیگر را به مرگ می‌گرفتیم؟ یا نه تب راضی شویم! شنیدن این یکی، دو جمله از عذاب شب اول قبر بدتر است که ما همیشه دیر می‌رسیم و نوشداروی پس از مرگ. سهراب‌بیم اگر برای همه عصرها، رسولی با کتلی در دست، مردم را به راستی و رستگاری دعوت می‌کرد، آیا ما چنان نفرت‌زاور بودیم که از بلایی منقرض شویم که حتی به چشم نمی‌آید!؟ در کتاب‌های درسی صد سال بعد، از ما و از عذاب الیم ما چه خواهند نوشت. خیلی از ما به قبل از کرونا می‌اندیشند و خیلی‌های دیگر به بعد از کرونا. ما به هر دو سوی پیش و پس کرونا گرفتاریم. ما این بخت را داشته‌ایم که غم‌هایمان را از قرنی به قرن دیگر ببریم.

سال نوشده است و دریای کرونا چه آرام و چه‌ناآرام پیش چشم است. با این همه اما نمی‌خواهیم دیگر ملاحان مرگ باشیم و بردگانِ ماتم. اگر خاطرتان باشد قدیم‌ترها تا گرم خندیدن می‌شدیم به اخم و تخم می‌شنیدیم که: «کم بخند بچه! به ما نیومده خندیدن!» ما از نسلی به جا مانده بودیم که عاشق عزای عظیم بود. نسلی که گریبان می‌درید به مرگ و در سیاه رسوب کرده بود و حتماً این نسل نمی‌توانست معنا و مفهوم لبخند را باور کند. زیستن در این رنج ناگزیر اما بیش از گریه و زاری، لبخند می‌خواهد. لبخندی که از پس شنیدن چنین جملاتی خرج می‌شود: «سایه‌تون کم نشه!»، «خدا از برادری کم‌تون نکنه»، «ببوس قدمتون-»، «هرچه زودتر لباس عاقبت بپوشید» و هزار جمله دیگر که با همان اندک لبخند، قشنگ‌تر دیده و شنیده می‌شوند. سال نو شده است و همین اول سالی با خودمان خلوت کنیم و هر کدام، نقشه‌ای برای روزهای در راه بکشیم. به هم که می‌رسیم نه در دل که بلندبلند بگوییم: چشم بد از تو دورا خوشحال باشیم و خوشحال کنیم که هر بدی و هر نابلدی، می‌تواند کرونای جهش‌یافته‌ای باشد که جز به هلاک ما رضایت‌نمی‌دهد.

ارمغان پهداروند